

متن سخنرانی ثریا فتاحی در اتاق پالتاک کارزار زنان

دوستان و رفقای عزیز با سلام و تشکر که در این جلسه حضور دارید

امیدوارم که امشب و در این جلسه با کمک هم بتوانیم بحث خوبی را پیش ببریم و به مهمترین نکات مطرح شده در مورد موضوع این جلسه بپردازیم.

من قبل از هر سخنی فرا رسیدن 8 مارس روز جهانی زن را به همه انسانهای آزادیخواه و برابری طلب و به زنان جهان و بویژه زنان مبارز ایران و شما حضار محترم تبریک می گویم و بحثم را شروع میکنم.

در رابطه با کمپین یک میلیون امضا و فعالیت های این کمپین بسیار خواننده و شنیده ایم بطور پراکنده نقد های را هم چه به صورت نوشته و چه به صورت شفایی در جلسات مختلف شنیده ایم من هم به نوبه خود نقد م را به کمپین از منظری دیگر بیان می کنم.

قسمت اول بحث من نگاهی است که من به ساختار حکومت ایران دارم و آن این است که این رژیم حکومتی سرمایه داری، ضد انسان و ضد زن و ضد تمامی خواسته های برحق انسانی است و در کلیتش در طی نزدیک به سه دهه بجز بی حقوقی مطلق بر جامعه، ضدیت با خواسته های اقشار مختلف جامعه، سرکوب و کشتار، جنگ و شکنجه و اعدام و بطور کلی جنایت و وحشیگری هیچ رویه دیگری نداشته و ندارد مسلماً من به عنوان یک زن سوسیالیست و برابری طلب از این منظر و از این دیدگاه به حکومت و برای تحقق خواسته های مردم موضع میگیرم و برایش مبارزه میکنم که آن هم تلاش و مبارزه برای سرنگونی این رژیم و برقراری جامعه ای عاری از ستم و استثمار و برابری کامل زن و مرد در آن است.

در مورد جنبش های داخل ایران نیز با همین دیدگاه به تجزیه و تحلیل می پردازم و ضمن ارج نهادن و حمایت از مبارزین و تلاش گران عرصه های مختلف مبارزه علیه حکومت، نقد خود را نیز به این تشکلهای و کمپین ها دارم همچنان که جنبش دانشجویی زمانی در کنترل تحکیم وحدت و اصلاح طلبان بود و ما نقد خود را به آن داشتیم و امروز این جنبش در قالب جنبشی برابری طلبانه و چپ در جامعه ایران حضور پیدا کرده است و مورد حمایت و پشتیبانی ما می باشد. در مورد کمپین هم تقریباً به همین روال خواهد بود و زمانی که این جنبش به جنبش واقعی زنان برای خواسته ها و آرمانهای انسانی و کاملاً برابری طلبانه و در جهت نفی تمامی مظاهر ستم و استثمار حرکت کند مورد پشتیبانی و حمایت همه ما قرار می گیرد.

در مورد موضوع امشب کمپین یک میلیون امضا

این سئوالات مطرح است که باید پاسخ خود را بگیری و مورد بحث و تبادل نظر قرار گیرد.

چرا نقطه ی حرکت یا خواست عمومی این فعالان تغییر قوانین تبعیض آمیز است؟

و در این قوانین چرا تغییر در قوانین خانواده و چرا تاکید برحق طلاق برابر برای زن و مرد خواست محوری و توافق مابین فعالان زن با نگاه های متفاوت شده است.

و سوال دیگر این که چرا او با چه استدلال و روشی ، آنان بر دیگر قوانین تبعیض آمیز در این نظام انگشت نگذاشته اند؟

جایگاه مذهب در این کمپین بعنوان رکن و اساس تدوین تمامی قوانین زن ستیز در جمهوری اسلامی کجاست؟

نابرابری و بی حقوقی عمیق و همه جانبه زنان در طول این دوره باعث شده که لیست مطالب برای رفع تضییقات از زنان بسیار بلند است چنان بلند که بیان هر مطالبه کوچکی بلآخره گوشه در این سفر و غیره غیره ؟

کمپین یک میلیون امضا بنا بر بیانیه و طرح کلیات این کمپین و جزوه حقوقی آن بر مسئله حق حضانت، دیه و حق طلاق تاکید می کند که البته اینها تنها بخش ناچیزی از این مطالبات است و تمرکز بر این مطالبات هنوز گویای هیچ درجه ای از پیگیری در تحقق خواسته های زنان در چهار چوب این حکومت نبوده و مردم را در توهم نگه داشتن است

اما سئوالی که اینجا مطرح میشود مسئله آگاه کردن زنان در یک رابطه چهره به چهره است که بدانند این قوانین نابرابر است آیا این دوستان و جامعه از عمل کرد سران رژیم و تمامی وابستگان و مزدوران که خود سرمنشأ و مروج خشونت، تجاوز و ستم بر زنان هستند خبر ندارند؟

آیا از کسانی که خود پایه گذار قوانین این ستم ها هستند می شود چشم امید داشت که خود آنها این ستمها را از بین ببرند؟

جنبش زنان در ایران اکنون یک جریان فراگیر اجتماعی است که در میان همه گروهها و طبقات جامعه ریشه دوانیده است.

زنان را در پوشش اسلامی به بند میکشند ، در خیابان به بهانه بد حجابت تحقیرشان میکنند ، به دلیل عاشق بودن به تازیانه می بند نشان ، و یا سنگسارشان می کنند ، به خاطر آزادیخواهی بر روی سنگفرش خیابانها میکشانند و زخمی و زندان و شکنجه میشوند ،

همین واقعیت که امروزه اندک جریان جدی سیاسی در میان مخالفین رژیم جمهوری اسلامی یافت میشود که به این جنبش ارج نهاده و از آن حمایت میکنند. با این همه باید پذیرفت که هنوز خیلی راه مانده است که بتوان چهره مردانه این جامعه را تغییر داد و از یک تحول اساسی سخن گفت. برکسی پوشیده نیست که رژیم جمهوری اسلامی بعنوان یک رژیم سرمایه داری، مدافع مرد سالاری و مدافع سرسخت ستم بر زنان می باشد و باید در راه سرنگونی کامل و بدون چون و چرای آن بکوشیم.

قریب به سه دهه حضور مذهبی و ضد زن جمهوری اسلامی شرایطی بوجود آورده که خود موجب دامن زدن به مقاومت عظیم در میان زنان گشته که تاریخ معاصر ایران تا این درجه آگاهی نسبت به موقعیت زن در جامعه موانع اجتماعی و حضور زنان در قوانین مذهبی رواج فرهنگی و اجتماعی در مناسبات میان زن و مرد و تربیت فرزندان دختر و پسر، رواج فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی در زمینه مسئله زن وجود نداشته است.

کمپین یک میلیون امضا، مبارزه فرهنگی اش ارائه جزواتی است در مورد قوانین تبعیض آمیز حقوق زنان اما محتوای این جزوات نشان می دهد چالش قوانین تبعیض آمیز در این کمپین نه از موضعی ریشه ای بلکه بر عکس برداشتی با موضعی محافظه کارانه توأم است.

ادعای کمپین در مبارزه علیه قوانین ضد زن نمی تواند بعنوان ادعایی جدی در نظر گرفته شود زیرا در هیچ جای دنیا نمی توان برای لغو تبعیض های جنسی مبارزه کرد بدون اینکه به نقش مذهب در تداوم این تبعیض اشاره نکرد و آن را به چالش نکشید.

مسئله ای که باید در مورد روش کمپین یک میلیون امضا مورد تامل قرار گیرد این است که فعالین کمپین برای همین مطالبات جزئی بر خواسته های دسته چندم و رفرمیستی و گام به گام و امضا جمع کردن اکتفا می کنند و جامعه را در انتظار تایید و یا رد آن از سوی مقامات حکومتی می گذارند؟

و به امید سیاه لشکری از طومار امضا های جمع شده مردم را در توهم نگه می دارند.

آیا با ارائه طوماری از یک میلیون امضاء خشونت افکار مرد سالاری، پدر سالاری، آزار جنسی و تجاوز و هتک حرمت و بی عدالتی فروکش خواهد کرد؟ و یا از بین می رود؟ و جامعه از عمل کردن سران رژیم و تمامی وابستگان و مزدورانش که خود سر منشأ و مروج خشونت تجاوز از ستم بر زنان هستند خبر ندارند؟

این افراد دیر آمدن خود را به حساب خواسته‌های مردم و توده زنان می‌گذارند. نگاه کمپین به مطالبات در حقیقت خود بیانگر نگاه ویژه‌ای به زن و مطالبات و حقوق زنان در جامعه است.

آیا نقش اینکه زن بعنوان فرد نه به عنوان همسر و مادر و دختر در مقابل قانون انسان به حساب بیاید مطلب مهم و محوری و تعیین کننده در تثبیت موقعیت شهروندی زنان در جامعه نیست؟ و قانون که خود منشأ تبعیض است، قانونی که انسان بودن و شهروندی بودن زن را نپذیرفته باشد اگر با "زر" هم نوشته شده باشد نمی‌تواند ستم بر زنان را از بین ببرد. اینکه در این حکومت تمامی خشونت‌ها علیه زنان نهادینه گشته است امریست بدیهی و قابل لمت که جای هیچ بحثی ندارد، اینکه آمارهای موجود از دستگاہای دولتی نشان از سرکوب مطلق و سیستماتیک و برنامه ریزی شده علیه کل جامعه و بطور اخص زنان دارد، قتلها ناموسی که هر روزه اتفاق می‌افتد، خشونت و خودسوزی که هر روز با شدت و حدت بیشتری انجام می‌گیرد، چند همسری، به رسمیت شناخته شده است، و هزاران پدیده ضد زن دیگر،

حال ببینیم کمپین چه می‌گویند. مطالبه برابری کامل حقوق زن و مرد بنیادی‌ترین و پایه‌ای‌ترین خواستی است که پیش از صد سال است برای تحقق آن مبارزه می‌شود ولی کمپین در چهار چوب دیدگاه همان آیت الله‌ها این مساله را مسکوت می‌گذارند. حجاب اجباری را مسکوت می‌گذارد.

چگونه است کمپین یک میلیون امضاء برای تغییر قوانین تبعیض آمیز مبارزه می‌کند ولی حرفی از منع

حجاب اجباری که سبب تقابل میان زنان و حکومت اسلامی در طول این سه دهه می‌باشد حرفی نمی‌زند؟؟

در شرایطی که فقط طی دو ماه 150 هزار زن به دلیل بدحجابی مورد بازخواست قرار می‌گیرند و در شرایطی که طی 29 سال گذشته رژیم برای کنترل حجاب زنان نیروهای نظامی گشتی را سازمان داده است صحبت نکردن از این خواست عمومی اکثریت زنان ایران توسط زنان کمپین بشدت سؤال برانگیز است.

آیا حجاب در ایران امری شخصی است؟ در این حکومت کمتر زنی است که به خاطر مسئله حجابش مورد تحقیر و کتک و یا جریه نقدی محکوم نشده باشد و یا از کار اخراج نشده باشد و خیلی از به این خطر زنانی که مورد تجاوز و خشونت جنسی، زندان و شکنجه و اعدام و سنگسار قرار گرفتند.

چگونه می شود که این همه سرکوب و بی حقوقی را نادیده گرفت؟ و بگذاریم جمهوری اسلامی زنان را همچنان به خاطر مورد تحقیر قرار داده و به جنایتهای بی شماره خود علیه زنان ادامه داد

در ارتباط با جهان پر از ستم و نابرابری و جنگ و جنایت تمام کوشش بر این است که این جنایات را در جوامع اسلامی طبیعی جلوه دهند و به امری عادی و روز مره که گویا این فرهنگ آن جامعه است که چنین پدیده‌های را در درون خود تولید و باز تولید میکند نشان دهند. که همچنان که تا کنون فعالین جنبش زنان و مردم آزادیخواه و برابری طلب نشان داده اند با تمام کوشش و توان خود آن را افشا خواهیم کرد و نمی گذاریم جمهوری اسلامی با جنایاتش علیه زنان و کل جامعه به حکومت ننگین خود ادامه دهد و در این میان هر نیروی رفرمیست و اصلاح طلب را که با خواسته های انسانی زنان معامله کند را افشا خواهیم کرد.

نکته دیگر در مورد لغو حجاب اجباری که از مطالبات کمپین نیست و علامت بزرگی است بر سر این دوستان میتوان اشاره کرد و همچنین فمنیستهای اسلامی که در همین سالهای اخیر صراحتاً گفته اند که بحث بر سره برابری کامل حقوقی نیست بلکه بر سر تلاش برای تلطیف چهره زمخت قوانین است که چنان ضد انسانی و ضد زن است که صدای خودی ها را هم در آورده است.

کار آگاه گرایانه توده ای و کمک به مردم زحمتکش که همه قربانیان ستم و استثمار طبقاتی هستند و قربانیان جهل و نا آگاهی و خرافاتی که مدام در جامعه باز تولید می شوند وقتی موفق است که چشم حقایق جامعه بدوزند و در نشان دادن ریشه های مصائب اجتماعی، نقد، و بررسی آنها و بالا بردن آگاهی این مردم با جسارت ظاهر شوند، و در افشاء تمامی جنایت جمهوری اسلامی مبارزه کند. متأسفانه علیرغم تلاش برخی فعالین کمپین نمی توان فعالیت آنان حتی در شکل چهره به چهره با زنان صحبت کردن در زمره کار آگاهگرانه قرار داد چرا که اغلب نوشته های فعالین کمپین حاکی از آن است که برای گرفتن امضا و نفوذ در میان زنان اساس به سنن و اعتقادات و فرهنگ عقب مانده مذهبی تکیه می کنند و روشن است که کار آگاهگرانه یعنی دادن آگاهی یعنی خلاف آنچه حاکمان بعنوان فرهنگ و سنت به مردم تحمیل می کنند. برای روشن شدن این موضوع شما را به مسئله آش نذری پختن زنان کمپین و یا اتکا کردن به آیت اله ها برای تفسیر مدرن از اسلام و یا پخش آجیل مشکل گشا رجوع می دهم.

مهمترین مسئله جنبش زنانی در ایران مسئله مذهب است. هیچ جریان اجتماعی نمی تواند از کنار این مسئله با سکوت بگذرد. کمپین یک میلیون امضا نیز پیشاپیش موضع خود را در مورد مذهب و بطور خاص اسلام اعلام کرده است. در نوشته کلیات طرح اعلام کرده

اند که تغییر قوانین تبعیض آمیز در تضاد با اسلام نیست. این مسئله تمام کوشش های فعالین کمپین را تبدیل به سراب می کند که نتیجه اش بسیار دردناکتر از دنباله روی مردم از خاتمی و دوم خردادی ها بود. در صورتی مبارزه زنان برای تغییر قوانین در تضاد با اسلام نخواهد بود که نهایت مطالبات محدود به مجتهد شدن زنان و یا دیه برابر زن و مرد و یا ارث برابر است که اساساً این مطالبات زنان مذهبی مرفه و زنان حکومتی است یعنی ثمره و میوه کوشش هزاران دختر جوان را فدای منافع زنان طبقات مرفه مذهبی و حکومتی کردن است.

به همین جهت در پایان صحبت می خواهم تاکید کنم مهم نیست که در یک جنبش چقدر زنان شرکت کنند یا نکنند مهم این است که این جنبش ها منافع پایه ای اکثریت زنان ایران را طرح می کنند یا نه بویژه در شرایطی که بر همگان روشن است کوچکترین مطالبه زنان یعنی تغییر قوانین گره خورده است با جدایی دین از دولت و نه تفسیرهای متفاوت از دین.

صحبت می کنم و تلاش خواهم کرد جنبه های مختلف دیدگاهم را نسبت به کمپین یک میلیون امضا در بخش پرسش و پاسخ بیشتر توضیح دهم.

ثریا فتاحی 24،02،08